

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

دپلوم انجیر خلیل الله معروفی
برلین – سوم اکتوبر ۲۰۱۶

سالگره "اتحاد مجدد المان"

کی کنده جان و جسکه، کی خورده نان و مسکه؟

عنوان مقاله یکی از ضرب المثل‌های نادر کابلی ست، که در اکثر کتب و مجموعات مثل‌های افغانستان سراغ نمی شود - تا جایی که من می دانم. این مثل تا حدودی، مُعادل مثل مشهورتری ست، که گوید:

"جان کندن لغمانی، خوراک مُل"

و معادل بهترش مگر اینست، که:

"کی کُشت و کی درو کد؟؟؟"

در شرح مثل اصلی باید گفت:

این مثل، که شکل ادبی آن "که گنده جان و جسکه، که خورده نان و مسکه؟" است، چنان که گفته شد بسیار نادر است و در رسته کتب ضرب المثل افغانستان فقط در یکی ثبت گردیده است، که به نام "ضرب الامثال و کنایات" یاد شده و تألیف داکتر عبدالغفور "برزین مهر" است. برزینمهر مگر این مثل را در دو هیئت متمایز از هم قید کرده است، که هیچ کدام متقن و مطمئن به نظر نمی‌رسد. من مگر همین هیئت بالا را از زبان سالمندان فراوان کابلی شنیده ام و باربار هم شنیده ام. در مورد خود این مثل ضمن یکی از مقالاتم مفصل گپ زده ام. ماحصل این مثل و معادلهای آن اما اینست، که:

یکی جان می‌کند و زحمت می‌کشد، و دیگری حاصل کار وی را می‌رباید!!!

و شاید بتوان محتوای این مثل را در فرد شاعر^۱ تمثیل کرد، که گفت:

آنان، که جان کنده و محنت کشیده اند
وانان، که رایگان به نعمت رسیده اند

^۱ این فرد همین لحظه از نوک قلمم پرید؛ و احتمالاً به اقتضای ذهنی از قطعه "عبدالله شهاب ترشیزی هروی"، که در مدح "شاه محمود سدوزانی" گوید:

ای آنکه، چار گوشه تخت ترا ز فخر
وز بهر حفظ ذات تو، انجم ز جبرئیل
شاهان تاجدار، به تازک گرفته اند
تعویذ فتح و حرز، تبارک گرفته اند
کائینه را به فال، مبارک گرفته اند
آئینه را از آن، سر دست آورده ام

در عنوان مگر ترکیب زیبایی "سالگره" نیز به نظر می‌رسد و خوب است در موردش چیزکی و حدیثکی بر زبان آید:

در زمانی که نوشت و خوان نبود، مردم شمار اعداد را با گره کردن در تار و خط کردن در چوب، حساب می‌کردند. از اولی کلمه "سالگره" و از دومی ترکیب "چوبخط" به وجود آمد: رشته ای را می‌گرفتند و روز تولد کسی را با زدن یک گره در آن می‌شمردند، این کار ترکیب "سالگره" را رقم زد. کلمه "گره" را همه می‌دانیم و در تلفظ درست آن هیچ تخطی نمی‌ورزیم. بلی؛ کلمه "گره" را، که با "ر" مکسور و "های ملفوظ" است، همه درست تلفظ می‌کنیم. ولی با تأسف، هنگامی، که "ساگره" می‌گوئیم، آن را با "ر" مفتوح و "های غیر ملفوظ" اداء می‌کنیم. و همین تلفظ غلط است، که باعث مغالطه املائی می‌گردد، چون در وقت اضافه کردن آن با کلمه بعدی، بر سر "های ملفوظ" همزه ای را می‌گذاریم، که کفری ست، در املای دری!!!

اگر امتثالاً گفته شود، ترکیب "سالگره فلانی" را "سالگره فلانی" می‌نویسند، که مثل قباحث شنیع است در املاء. متأسفانه که بسا نویسندگان ما بدین نکته هیچ توجه ندارند و به گفته ایرانیان ازین عمل غلط هرگز سر در نمی‌آرند. این نکته تا جائی بی اهمیت پنداشته می‌شود، که "استاد" بیسودی به نام "هاشمیان" بر بحث "های ملفوظ" - "های غیر ملفوظ" تمسخرکنان می‌گذرد!!! اما گفته اند:

"از چله چی گله!!!"

از کسی، که از یک طرف "زبان دری" را درست درک نکرده و از طرفی غرق گرداب "خودخواهی" و "خودپرستی" ست، نباید کار و عمل درست و صائب را توقع کرد!!! تا اینجا همه تذکرات به شکل معترضه بوده و خارج از موضوع بحث اصلی، که جنبه کاملاً سیاسی دارد.

روز ۳ اکتوبر ۱۹۹۰ "المان فدرال" یا "المان غرب"، قلمرو "المان دیموکراتیک" یا "المان شرق" را ضمیمه خاک خود ساخته و از آن "المان متحد" را ایجاد کرد. این روز را "روز اتحاد مجدد المان" یا "روز یکجای شدن دوباره المان" Tag der Deutschen Einheit نام نهاده و رسماً "روز ملی المان" اعلان کردند، که روز رخصتی و تعطیل عمومی ست، و طی آن همه ساله جشن برپا می‌شود و سور و سرور و تجلیل و تبجیل.

یکی شدن دو المان از رویدادهای بزرگ عصر و بالخاصه قرن گذشته است، که زنجیره دگرگونیهای سیاسی - جغرافیائی در اروپا و آسیا را تکمیل کرد. المانها یکجای شدن دو المان را "تحفه آسمانی" و "ودیعۀ خداوندی" نام دادند، فارغ ازین، که بدانند و اقرار بکنند، که زمینه وحدت مجدد المان و تحولات بزرگ دیگر اروپا، در جای دگری چیده شده بود. اگر عوامل رویکار آورنده و موجدۀ این رویداد عظیم قرن را بشماریم، بدون شک یکی اصلی و عمده به حساب خواهد آمد. من این عامل عمده را در "نبرد آزادی بخش ملی افغانستان" و شکست فاحش و شرم آور "اتحاد شوروی" وقت، در میدانهای کارزار افغانستان می‌دانم:

اتحاد شوروی، در مسابقۀ تسلیحاتی در برابر بلاک غرب به رهبری اتازونی، به زانو نشست. جهان سرمایه داری بلاک شرق را چنان در جهانبانی و میدان پرمصرف تسلیحاتی پیچاند، که کمر اقتصادش را بشکست. اگر بلاک شرق و اتحاد شوروی در عرصه نظامی و تسلیحاتی خود را همتراز غرب و حتی بالاتر از آن نیز ساخت، مگر این کارش به قیمت اهمال در همه عرصه های دیگر حیاتی تمام شد. اتحاد شوروی پهناور و پهناورتر از کل قاره آسیا، مثلاً در عرصه زراعت آن قدر ناتوان گشت، که گندم و مواد خوراکه خود را از خارج وارد می‌کرد. مگر جهان غرب بدین اکتفاء نکرد، بلکه در عرصه تأمین ساحات تحت نفوذ و تقسیم مجدد جهان، نیز بلاک شرق و در رأس "اتحاد شوروی" را به مبارزه طلبید. و درین عرصه دام افغانستان چنان زمینگیرش ساخت و خط بینی دادش، که گوربچوف و وزیر خارجه اش شواردناتسه در مجامع مهم بین المللی باربار و به آواز جار اعلان کردند، که اتحاد شوروی

بعد از زخم خونچکان افغانستان، دیگر در مسائل داخلی ممالک هرگز و هرگز و هرگز دخالت نخواهد کرد!!! همان اتحاد شوروی، که قبلاً قیامهای مردم مجارستان و المان شرق و پولند و چکوسلوواکیا را به زور برچه و تفنگ و تانک و توپ و طیاره سرکوب ساخته بود. اما بعد از شکست قوای اشغالگر شوروی در میدانهای جنگ افغانستان و بیرون کردن قوای اشغالگرش از این کشور و خط بینی کشیدن از تجاوز، دم در رقم اقمار و ممالک زیر سلطه مستقیم اتحاد شوروی، درآمد، در حدی، که در همان سال و بعد از خروج اردوی سرخ از افغانستان، قیامهای استقلال خواهی در ممالک زیر نفوذ شوروی در شرق اروپا برپا گشت؛ چنان که یکی بعد از دیگری خود را مستقل ساختند. و در آسیا نیز چنین شد، که "شانزده پله شدن" اتحاد شوروی را به ارمغان آورد. پیمان نظامی وارسا منحل گشت، دیوار برلین پائین غلتید و کاری شد، که خاک اتحاد شوروی به باد فناء رفت.

و اگر به موضوع اتحاد دوباره المان برگردیم، باید بپرسیم، که اگر قوای عسکری اتحاد شوروی در میادین نبرد افغانستان فاتح می گردیدند، آیا این همه رویدادهای عصر به وقوع می پیوست؟؟؟ جواب من،

"یک نی و صد آسان!!!"

است.

مردم المان دل بدین خوش نکنند، که از طریق "انقلاب صلح آمیز" Friedliche Revolution به کسب اقبال و اتحاد مجدد نائل گشته اند. نه خیر!!!

مردمی در سرزمینی - سرزمینی کوهسار - شهادت به خرج دادند، جلادت کردند و استواری، تا با دادن خون و جان صدها هزار افغان دلیر و سرتیر، جهانی بر خوان نعمت نشست؛

کی کنده جان و جسکه، کی خورده نان و مسکه!!!

بلی؛ مردانه باید فرق نهاد بین:

آنان، که جان کنده و محنت کشیده اند

وانان، که رایگان به نعمت رسیده اند